

شهید منصور افروشته



از تبای علی
سازمان جامع سواد لای و دوز شمس استان بوهر

نام پدر	بهزاد
تاریخ تولد	۱۳۴۵/۰۱/۰۱
محل تولد	بوشهر – تنگستان
تاریخ شهادت	۱۳۶۴/۱۱/۱۸
محل شهادت	آبادان
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	پاسداروظیفه
شغل	—
تحصیلات	سوم راهنمایی
مدفن	اهرم

زندگینامه

صحرای خطر گام مرا می خواند

صبح های سحر جام مرا می خواند

وقت خوش رفتن هان گوش کنید

از عرش کسی نام مرا می خواند

ولا تقولوا لمن يقتل فی سبیل الله اموات بل احیا ولكن لاتسعون

کسانیکه در راه خدا کشته می شوند مرده مپندارید بلکه آنها زنده اند ولی شما درک نمی کنید .

شهید منصور افروشته در سوم مرداد سال ۱۳۴۵ در خانواده مذهبی و متدین به دنیا آمد . دوره ابتدایی را در مدرسه هفده شهریور اهرم (۲۵ شهریور سابق) به اتمام رسانید و سپس به دوره راهنمایی راه یافت و در مدرسه شهید رضا حبشی مشغول تحصیل گردید در همین ایام بود که توده میلیونی ملت قهرمان و مسلمان ایران بر علیه رژیم پهلوی برخاستند او نیز مانند سایر همکلاسی هایش با عشق به رهبر و اسلام در تظاهرات و راهپیمایی فعالانه شرکت می کرد . بعد از اتمام دوره راهنمایی وارد دوره نظری گردید و ایام فراغت وقت را غنیمت می شمرد و به پدر خود در کارهای منزل کمک می کرد بعد از پیروزی پرشکوه انقلاب اسلامی تجاوز رژیم بعثی عراق به خاک کشور اسلامیمان شروع شد و او شور دیگری در سر پروراند و به عضویت بسیج در آمد و همدوش برادران بسیجی در گروه مقاومت شهید رضا حبشی فعالانه شرکت می کرد و از سنگر انقلاب و شهر و کوچه حفاظت می نمود بعد از مدتی فعالیت یک باره سنگر مدرسه را رها و لباس مقدس پاسداری به تن نمود و رهسپار دوره آموزشی شد بعد از دوره آموزشی راهی جبهه های نبرد علیه مزدوران بعثی گردید او از جنگ و مبارزه ترس و ابائی نداشت مشتاقانه خدمت پاسداری از دین و میهن را استقبال می کرد . منصور با روحی سرشار از عشق به کشور اسلامی و رهبری امام خمینی در عملیات والفجر ۸ از سکوی ایمان و عرفان به اوج کمال و ساحل معرفت به عشاق الهی و اصل گردید و در مورخه ۱۸/۱۱/۶۴ در عملیات مذکور بر اثر ترکش خمپاره در آبادان به سوی نور همانا معبود خویش باشد پرواز کرد.

روحش شاد و راهش پر رهرو باد

وصیت نامه

دعای کمیل ابن زیاد

الهی من لی غیرک - خدایا من به جز تو کسی را ندارم.

با سلام و درود به رهبر بزرگ و منجی عالم بشریت و با سلام بر رهبر کبیر انقلاب اسلامی، آن پیر نستوه و خسته ناپذیر جماران و با سلام بر تمامی صالحان و پرهیزگاران و با سلام بر تمامی شهدا اسلام از صدر اسلام تا انقلاب شکوهمند اسلامی ایران.

ای جوانان بروید به جبهه ها و جبهه ها را گرم نگه دارید، رفتن به جبهه ها یک امر واجب کفایی است.

امام خمینی (ره) می فرماید: نکند جوانان در بستر مرگ و ذلت بمیرند که راه سعادت و خوشبختی جهاد در راه خداست.

ای ملت حزب الله نکند یک روزی امام را تنها بگذارید مانند اهل کوفه نباشید که اول دعوت نامه امام حسین را نوشتند و بعد پشت پا به قول خود زدند. همیشه در صحنه باشید که آمریکا از این حضور شما در صحنه ها ترس و واهمه دارد.

یک وصیتی دارم به پدر و مادرم، که حیاطم که بهره ام می شود به برادرم شهربار واگذار می کنم و در عوض برایم نماز و روزه بجا آورد و خرج پدر و مادر و خواهرم تا زنده هستند بدهد و نخل هر اندازه که قسمت من می شود روی سه برادر دیگرم تقسیم کنید.

مادر اگر چه زحمت کشیدی برایم و شبها که آرام نداشتی ولی چه کنم پای اسلام در کار است و درخت اسلام لازم به خون ما جوانان دارد تا بارور شود. و تو ای پدر هیچ در نبودن من ناراحت نباش و از اجر خودت را در پیشگاه خداوند کم نکن که خداوند صبر کنندگان را دوست دارد.

والسلام علیکم و رحمه الله و

مورخه ۱۵/۱۱/۶۴

برکاته

خاطرات

دوران کودکی شهید

شهید منصور افروشته پسری بود با ایمان و نماز خوان در همه فعالیت های مذهبی شرکت می کرد .

شهید منصور افروشته پسری آرام ،خوش زبان و کمک حال خانواده بود.

شهید در مواقع تحصیل هم درس می خواند و هم کمک به پدر و مادر می کرد.

بعد از تعطیل شدن مدرسه به همراه برادرانش به شغل کارگری مشغول بود . او محبوب پدر و مادر و برادر و خواهرانش بود .

سلام ، سلامی به زیبایی گل سرخ و به طراوت یاس محمدی و سلامی به جاودانگی آلله های دشت خون شهیدان لاله هایی هستند که با خشت و خون خو گرفته اند و وجودشان خاک را مقدس قرار داد کبوترانی که در اوج آسمان به پرواز در آمدند و افلاکیان برتر شدند و ما به دل بستگان به دنیا با کوله باری از گناه جا گذاشتند در مکتب سرخ شهادت قلم سلاح است سرمشق ها خط خون و جبهه کلاس درس و حسین (ع) آموزگار شهادت. و چه خوب دانش آموزانی بودند این آلله ها که لوح تقدیرشان را در بهترین خاک خدا و از دست بهترین آموزگار دنیا گرفتند و در فردوس برین سکنی گزیدند .

در دیباچه حیات نامشان به جاودانگی خواهد ماند و من اسیر این گره خاکی ماندم و حال تنها کاری که می توانم انجام دهم بازگویی زندگی این کبوتران خونین بالی است که آغوش باز به سوی مرگ رفتند و تنها کسانی بودند که مرگ پلی برای سعادت و خوشبختی می دیدند.

شهدا

بیاعاشقی را رعایت کنیم

زیاران عاشق حکایت کنیم

از آنان که بوی خدا می دهند

به دنیای ما کربلا می دهد

از آنان که در جبهه عاشق شدند

و با یک تبسم شقایق شدند

از آن سینه سرخان که پر پر شدند

به بوی شهادت معطر شدند

بیا تا بگوییم غیرت چه بود

بروجردی و حاج همت که بود

چه گل های سرخی که پرپر شدند

چه مردان سبزی کبوتر شدند

شبی با شهیدان به مجنون رویم

بیا سوی باغ پر از خون رویم

بیا وارث خشم حیدر شویم

شبی شاهد فتح خیبر شویم

بیا زایر روح اقدس شویم

علمدار بیت المقدس شویم

بیا فصل ، فصل غدیر خم است

علی باز هم قبله مردم است

غریبانه در خاک زندانیم

چرا ای شهادت نمی خوانیم



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران